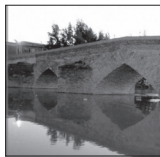


آق قلا جواهری
در قلب گلستان



۳

ادبیات
کودک و نوجوان



۵۴

۱۰ پرونده فرار مالیاتی
در گنبد کاووس کشف شد



۷

یادداشت اول

حسین گل گلاب شاعر ملی ایران

با مسوولیت سردبیر

برخی نفسشان گرم است، دم مسیحایی دارند، مرده را به زندگی باز می گردانند، آنگونه که جناب حافظ می فرماید: فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد حکایت حسین گل گلاب نیز از همین دسته آدمهای نیک اندیش و نیک نفس روزگار است. او که استاد گیاهشناسی دانشگاه تهران بود و بیشتر وقت خود را به تدریس و کار در آزمایشگاه مشغول بود و اگر چه اهل موسیقی و هنر نیز بود اما ادعایی در شعر و شاعری نداشت اما همان چند کارش چنان به روان ایرانیان گره خورد که گویا نمی توان پایانی برای این احساس وطن پرستی و عشق تصور کرد. حسین گل گلاب شاعر شعر ای ایران ای مرز پرگهر در بیست و دوم اسفند ۱۳۶۳ دنیا را در ۸۷ سالگی وداع کرد اما ملت ایران هیچگاه او را از خاطر نخواهد برد حتی اگر بسیاری در کوچه و بازار ندانند شاعر این حماسه کیست. ترانه ای که برای اولین بار در ۲۷ مهر ۱۳۲۳ و در دوران اشغال ایران در جنگ جهانی در دانشکده افسری با اجرای استاد بنان اجرا شد، اما درباره سرود ملی ایران باید گفت تا به امروز ایرانیان با توجه به تغییرات حکمرانی پنج سرود ملی را به خود دیده اند. اولین سرود ملی در دوران ناصرالدین شاه قاجار ساخته شد، در دوران پهلوی هم دو سرود اجرا شده است که سرود دوران پهلوی دوم به سرود شاهنشاهی معروف بود و در دوران انقلاب اسلامی نیز دو سرود تا به اکنون رسمیت داشته اند. اما درباره اهمیت سرود ملی باید گفت: سرود ملی نشانگر هویت تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک تمدن است و باید نمایانگر روح وحدت جمعی و مخرج مشترک یک ملت در برابر بیگانگان باشد به همین خاطر است که سرود ملی را نماد تمام نمای عظمت یک ملت می دانند و احترام به آن ضرورت پیدا می کند و بی احترامی به آن امری ناپسند و مذموم است. به این خاطر سرود ملی باید صدای وجدان همه شهروندان یک ملت از اقوام، آیین ها و دین های مشترک یک ملیت باشد و همه آن ادیان و اقوام با تمام وجود خود را در آن سرود متبلور ببینند...

ادامه در صفحه ۲



نوروز رودها
جشنی برای حیات طبیعت

« ۸ »



صنایع دستی گلستان گنجینه‌ای
برای توسعه اقتصادی و فرهنگی

« ۸ »



سبزیکاریم
سبزی نگه داریم

« ۷ »

چالش‌های توسعه در گلستان



استان بخشی از جنگل‌های هیرکانی را در خود جای داده است که از قدیمی‌ترین جنگل‌های جهان محسوب می‌شوند. این جنگل‌ها نه تنها از نظر زیستی بسیار ارزشمند هستند، بلکه پتانسیل بالایی برای توسعه اکوتوریسم دارند. دسترسی به دریای خزر نیز امکان توسعه فعالیت‌های تجاری، ماهیگیری و گردشگری ساحلی را فراهم کرده. این دسترسی، استان گلستان را به یک منطقه استراتژیک برای تجارت منطقه‌ای تبدیل کرده است. همچنین، این استان به دلیل جاذبه‌های طبیعی مانند جنگل‌های هیرکانی، سواحل دریای خزر، پارک‌های ملی و آثار تاریخی، پتانسیل بالایی برای توسعه گردشگری دارد.

نقش دولت و سیاست‌گذاری‌ها در توسعه استان گلستان

دولت با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی، آب، ارتباطات و آموزش، زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی استان گلستان را فراهم می‌کند. توسعه جاده‌ها و راه‌آهن دسترسی به بازارهای بین‌المللی را بهبود می‌بخشد و حمایت از کشاورزی از طریق تأمین نهاده‌ها و فناوری‌های نوین، بهره‌وری و درآمد کشاورزان را افزایش می‌دهد...

ادامه در صفحه ۲

با چالش‌های محیط‌زیستی مانند فرسایش خاک، کاهش آب‌های زیرزمینی و تخریب جنگل‌ها مواجه است. بررسی ریشه‌های توسعه در گلستان، علاوه بر کاهش تنش‌های قومی و تقویت همبستگی اجتماعی، به ارائه راه‌حل‌های پایدار برای مقابله با این چالش‌ها کمک می‌کند.

ظرفیت‌های طبیعی و اقتصادی استان گلستان در توسعه

استان گلستان به دلیل خاک حاصلخیز، آب‌وهوای مناسب و دسترسی به منابع آب، یکی از قطب‌های مهم کشاورزی در ایران است. محصولات عمده این استان شامل گندم، جو، برنج، دانه‌های روغنی و مرکبات است. همچنین، این

همچنین، با مدیریت منابع طبیعی و کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، به حفظ محیط زیست و مقابله با تغییرات اقلیمی می‌پردازد. در سطح استانی، توسعه پایدار به توزیع عادلانه‌تر منابع، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و حفاظت از منابع طبیعی محلی کمک کرده و با مشارکت جوامع محلی، حس مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند.

ضرورت بررسی ریشه‌های توسعه در استان گلستان

استان گلستان با موقعیت جغرافیایی ویژه، تنوع قومی و فرهنگی، و دسترسی به دریای خزر، از پتانسیل‌های بالای تجاری، کشاورزی و گردشگری برخوردار است. این استان، به‌عنوان یکی از قطب‌های کشاورزی ایران،

پوریا گنجی- توسعه، فرآیندی جامع و چندبعدی است که بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه را هدف قرار می‌دهد. این فرآیند نه تنها به رشد اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه بهبود شاخص‌هایی مانند آموزش، سلامت، برابری جنسیتی، کاهش فقر، حفظ محیط زیست و افزایش مشارکت سیاسی را نیز در بر می‌گیرد. توسعه پایدار به معنای تأمین نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود است. آمارتیا کومار سن، اقتصاددان برجسته هندی، در کتاب معروف خود "توسعه به مثابه آزادی"، توسعه را فرآیند گسترش آزادی‌های واقعی افراد تعریف می‌کند. به گفته او، توسعه زمانی محقق می‌شود که افراد بتوانند از قابلیت‌ها و فرصت‌های لازم برای زندگی بهتر برخوردار شوند.

اهمیت توسعه پایدار در سطح ملی و استانی

توسعه پایدار به کشورها امکان می‌دهد رشد اقتصادی متوازن و بلندمدتی داشته باشند. این رویکرد با بهره‌وری منابع، کاهش ضایعات و نوآوری‌های سبز، اقتصاد را تقویت کرده و به کاهش فقر و نابرابری‌های اجتماعی از طریق بهبود آموزش، سلامت و اشتغال کمک می‌کند.

ادامه یادداشت اول

حسین گل گلاب
شاعر ملی ایران

در واقع سرود ملی باید آینه تمام قدی از همه شهروندان یک جامعه باشد تا احترام همه آنها را نیز از آن خود کند و شعر حسین گل گلاب حاوی همه این خصوصیات بوده که تا به اکنون ماندگار شده است. امید که مرز ایران تا همیشه تاریخ پر گهر باشد و از گزند بلایا دور بماند، در این روزهای واپسین سال به یاد همه آنها که برای این آب و خاک کوشیده اند سرود زیبایی ساخته حسین گل گلاب را با خود زمزمه کنیم.

ای ایران ای مرز پر گهر
ای خاکت سرچشمه هنر
دور از تو اندیشه بدان
پاینده مانی، تو جاودان
ای دشمن از تو سنگ خاره ای، من آهنم
جان من فدای خاک پاک میهنم
مهر تو چون شد پیشه ام
دور از تو نیست اندیشه ام
در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما
پاینده باد، خاک ایران ما
سنگ کوهت در و گوهر است
خاک دشتت بهتر از زر است
مهرت از دل کی برون کنم
بر گو بی مهر تو چون کنم
تا گردش جهان و دور آسمان بپاست
نور ایزدی همیشه رهنمای ما است
مهر تو چون شد پیشه ام
دور از تو نیست اندیشه ام
در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما
پاینده باد، خاک ایران ما
ای ایران ای خرم بهشت من
روشن از تو سرنوشت من
گر آتش بارد به پیکرم
جز مهرت بر دل نپرورم
از آب و خاک و مهر تو سرشته شد گلم
مهر اگر برون رود تهی شود دلم
مهر تو چون شد پیشه ام
دور از تو نیست اندیشه ام
در راه تو کی ارزشی دارد این جان ما
پاینده باد خاک ایران ما

ادامه تیترو اول



همچنین، با توسعه زیرساخت‌های گردشگری و تبلیغات، دولت به رشد صنعت گردشگری در استان، که دارای جاذبه‌هایی مانند جنگل‌های هیرکانی و سواحل خزر است، کمک می‌کند.

چالش‌های توسعه در استان گلستان

استان گلستان با مشکلات محیط زیستی متعددی مانند فرسایش خاک، کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و تخریب جنگل‌های هیرکانی مواجه است. این مشکلات می‌تواند به کاهش بهره‌وری کشاورزی و تخریب اکوسیستم‌های طبیعی منجر شوند. همچنین، این استان با مشکل کم‌آبی و مدیریت نادرست منابع آب مواجه است که به دلیل برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و عدم استفاده از فناوری‌های نوین آبیاری تشدید می‌شود. نابرابری‌های منطقه‌ای و فقر نیز از دیگر چالش‌های توسعه در استان گلستان است. این نابرابری‌ها به دلیل توزیع ناعادلانه منابع و فرصت‌ها بین مناطق مختلف استان تشدید می‌شود. ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انرژی و ارتباطات نیز یکی از چالش‌های عمده برای توسعه اقتصادی و اجتماعی این استان است که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم. براساس گزارش ایرنا، میزان فرسایش خاک در استان گلستان از غرب به شرق بین ۸ تا ۳۵ تن در هکتار متغیر است. در مناطق شرقی، به‌ویژه شهرستان مراوه‌تپه، فرسایش شدیدتر بوده و شرایط بحرانی تری حاکم است. به گفته مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری، حدود ۳۳۰ هزار هکتار از اراضی زراعی و منابع طبیعی شمال استان در معرض خطر بیابانی شدن قرار دارد. این در حالی است که میانگین فرسایش خاک در جهان حدود ۶ تن در هکتار است، اما این رقم در استان گلستان به ۳۵ تن در هر هکتار می‌رسد که نشان از جدی بودن بحران دارد. در خصوص بحران منابع آبی، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان، در گفتگو با خبرگزاری مهر اعلام کرد که سطح آب‌های زیرزمینی در این استان طی دهه اخیر از ۱۹.۵ لیتر در ثانیه به ۱۳ لیتر در ثانیه کاهش یافته است. این افت شدید ظرفیت آب‌دهی چاه‌ها و کاهش سطح ایستایی منابع زیرزمینی را به دنبال داشته است؛ از آنجا که ۹۷ درصد آب شرب شهرها و روستاهای استان از منابع زیرزمینی تأمین می‌شود، این موضوع در فصول گرم بحران جدی‌تری را رقم می‌زند. همچنین از دیگر پیامدهای ناگوار این مسئله، می‌توان به افزایش نرخ فرونشست زمین در استان اشاره نمود. بر اساس گزارش مرکز زمین‌شناسی ایران، نرخ فرونشست در گلستان حتی از برخی استان‌های بحرانی مانند اصفهان نیز

بیشتر است که تهدیدی جدی برای زیرساخت‌های شهری و کشاورزی محسوب می‌شود. همچنین طبق گزارش تسنیم، استفاده بی‌رویه از کود و سموم شیمیایی در بخش کشاورزی موجب آلودگی منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی شده است. این آلودگی علاوه بر افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های گوارشی و کلیوی، باعث کاهش تنوع زیستی و تهدید گونه‌های گیاهی و جانوری نیز شده است. همچنین در مورد تهدیدات اکوسیستم مطالعات انجام‌شده در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که در شش دهه گذشته، حدود نهم میلیون هکتار از جنگل‌های هیرکانی به دلیل فعالیت‌های مخرب از بین رفته است. بخش قابل‌توجهی از این جنگل‌زدایی در استان گلستان رخ داده و کاهش تنوع زیستی و تهدید گونه‌های جانوری را در یکی از غنی‌ترین اکوسیستم‌های جنگلی مناطق معتدل جهان به دنبال داشته است. در حوزه کشاورزی و بهره‌وری آب بر اساس گزارش خبرگزاری مهر، از مجموع ۲۷۰ هزار هکتار اراضی آبی استان، تنها ۷۵ هزار هکتار (۲۸ درصد) به سیستم آبیاری نوین مجهز شده‌اند. این در حالی است که در روش‌های سنتی، راندمان آبیاری تنها ۳۶ درصد است که به معنای هدررفت ۶۴ درصد از آب می‌باشد. عدم استفاده از فناوری‌های نوین علاوه بر کاهش بهره‌وری، هزینه‌های تولید را نیز افزایش داده است. در خصوص تغییرات اقلیمی بررسی مطالعات و گزارش‌ها نشان می‌دهد که استان گلستان به‌طور قابل‌توجهی تحت تأثیر تغییرات آب‌وهوایی قرار گرفته است. مطالعات پیش‌بینی می‌کنند تا سال ۲۱۰۰ میلادی، میانگین دمای این استان ۴.۳ درجه سانتی‌گراد افزایش خواهد یافت. طی ۲۵ سال گذشته، تغییرات اقلیمی تأثیر محسوس بر الگوی کشت نداشته، اما افزایش دما و تغییرات الگوی بارش ممکن است در آینده تغییرات چشمگیری در الگوی کشت ایجاد کند که نتیجه آن کاهش بهره‌وری محصولات کشاورزی و افزایش هزینه‌های تولید خواهد بود. بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، نرخ فقر در کشور از ۲۹.۲ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۳۰.۱ درصد در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته است. همچنین، بر اساس رتبه‌بندی محروم‌ترین استان‌های کشور که در سال ۱۳۹۹ انجام گرفت، استان گلستان در جایگاه پنجم قرار داشت که مشخص‌گردید میزان فقر استان بالاتر از میانگین کشوری بوده. به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، با ادامه سیاست‌های کلی، این آمار تغییر چندانی نکرده و همچنان نرخ فقر در استان گلستان بالاتر از میانگین کشور باقی مانده است. همچنین مدیرکل کار و رفاه اجتماعی گلستان نرخ بیکاری استان در پاییز ۱۴۰۳ را ۹.۹ درصد اعلام کرد، در حالی که این شاخص در کشور ۷.۲ درصد بوده است. این آمار نشان می‌دهد که نرخ بیکاری نیز در استان بالاتر از میانگین کشوری است. رضا مبصری، عضو هیئت‌رئیس اتاق بازرگانی، اظهار داشت که درآمد سرانه استان گلستان تنها ۴۷ درصد میانگین کشوری است و طی سال‌های اخیر تنها ۳ درصد بهبود یافته است. این موضوع نشان‌دهنده شکاف عمیق اقتصادی بین گلستان و سایر استان‌های کشور است. وابستگی شدید استان به بخش کشاورزی و قیمت‌های دستوری این محصولات، سودآوری این بخش را کاهش داده و موجب شده است که تولید برخی محصولات، مانند گندم و جو، برای کشاورزان مقرون‌به‌صرفه نباشد. از سوی دیگر، با وجود نقش کلیدی استان گلستان در تأمین امنیت غذایی کشور، از منابع مالی و تسهیلات بانکی کمتری نسبت به استان‌های صنعتی برخوردار است که این نابرابری منجر به عقب‌ماندگی اقتصادی و توسعه‌نیافتگی

استان شده است. استان گلستان در حوزه انرژی نیز با چالش‌های جدی مواجه است. بنا بر گفته رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، میزان برق تولیدی در گلستان حدود یک‌هزار مگاوات بوده که عمدتاً از نیروگاه علی‌آباد کتول تأمین می‌شود. در حالی که برای رسیدن به رشد اقتصادی پایدار این استان نیازمند ۲۴۰۰ مگاوات تولید برق است. همچنین، گلستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی مناسب، پتانسیل بالایی برای استفاده از ظرفیت انرژی خورشیدی و بادی دارد اما متأسفانه تاکنون اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگرفته است. در حوزه گاز نیز با چالش‌های قابل‌توجهی در تأمین و مدیریت آن مواجه هستیم. ناترازی بین تقاضا و عرضه به ویژه در فصل سرما و بدمصرفی از جمله چالش‌های اساسی می‌باشد به نحوی که سرانه مصرف هر مشترک ۱۸ تا ۲۰ مترمکعب در شبانه‌روز بوده و در روزهایی که کاهش شدید دما را در پی داشته، میزان مصرف گاز به ۱۲ میلیون متر مکعب که بالاتر از میانگین مصرف کشور می‌باشد رسیده، در حالی که سرانه مصرف هر فرد می‌بایست در طول شبانه‌روز به ۴ الی ۵ متر مکعب کاهش یابد. این موارد اتخاذ رویکردهای مدیریتی موثر و کاهش مصرف انرژی را بسیار ضروری نموده. در حوزه ارتباطات و فناوری نیز علیرغم پیشرفت‌های قابل توجه همچنان با چالش‌هایی مانند مشکلات دسترسی در نقاط دورافتاده و کمبود آگاهی و توانایی کافی در استفاده از این فناوری در جهت بهره‌برداری بهینه از آن به دلیل عدم دانش کافی کاربران، به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های این حوزه مواجه هستیم. از دیگر چالش‌های استان گلستان می‌توان به مشکلات موجود در صنعت حمل و نقل اشاره کرد. با وجود پیشرفت‌هایی که در این حوزه صورت گرفته، هنوز چالش‌هایی در این بخش وجود دارد. در همین رابطه، نماینده استان گلستان در شورای عالی استان‌ها اظهار داشت: «فرسودگی ناوگان و کمبود زیرساخت‌های جاده‌ای، دریایی و ریلی از عمده‌ترین مشکلات پیش‌روی صنعت حمل و نقل استان هستند. این ضعف‌ها به کاهش کارایی شبکه حمل و نقل و ارتباطات در استان منجر شده و تأثیر منفی بر روند توسعه دارد. در حوزه آموزش، علیرغم پیشرفت‌هایی که حاصل شده، همچنان چالش‌های جدی وجود دارد. یکی از این چالش‌ها کمبود شدید فضای آموزشی است، به‌طوری که طبق گفته رئیس آموزش و پرورش گرگان، در این شهر برخی از کلاس‌ها با بیش از ۴۰ دانش‌آموز برگزار می‌شوند. همچنین، یکی از مشکلات بزرگ استان در حوزه آموزش عالی، عدم تطبیق میان آموزش‌های ارائه‌شده و نیازهای بازار کار است که منجر به مشکلاتی در اشتغال فارغ‌التحصیلان شده است.

جمع‌بندی

استان گلستان با پتانسیل‌های بالای کشاورزی، گردشگری و تجاری، می‌تواند به یکی از قطب‌های مهم توسعه در ایران تبدیل شود. با این حال، چالش‌های محیط زیستی، نابرابری‌های منطقه‌ای و ضعف زیرساخت‌ها، مسیر توسعه این استان را با دشواری‌هایی مواجه کرده است. دولت با اجرای سیاست‌های پایدار و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و بخش‌های کلیدی، می‌تواند به تحقق توسعه پایدار در استان گلستان کمک کند. توسعه پایدار در این استان نه تنها به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود، بلکه به حفظ محیط زیست و تضمین آینده‌ای بهتر برای نسل‌های آینده کمک می‌کند.

پژوهشگر توسعه

گلشمن

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵



«نفهمی آگاهانه» یا «خود را به نفهمی زدن»!

سید حسن حسینی نژاد

«نفهمی آگاهانه» یا به عبارتی «خود را به نفهمی زدن» یکی از پیچیده‌ترین و درعین حال یکی از ساده‌ترین و قابل توجه‌ترین رفتارهایی است که در تعاملات انسانی بارها شاهد بوده‌ایم. این نوع رفتار به معنی «ناآگاهی» نیست، بلکه فرد کاملاً از موقعیت و منظور طرف مقابل باخبر است، اما ترجیح می‌دهد که خودش را به «نفهمی» بزند تا از واکنش نشان دادن و یا پاسخ دادن به مسئولیت‌ها، تبعات یا حتی احساسات خاصی که ممکن است با آن مواجه شود اجتناب کند. در واقع، این رفتار یک نوع استراتژی بوده که ممکن است به دلیل ترس از مواجهه با حقیقت یا مسئولیت‌ها و ... به کار گرفته می‌شود که من ترجیح می‌دهم برای کسی که این استراتژی را به کار می‌برد و توان تداوم و تکرارش را دارد؛ با احترام به ساحت هنر بگویم: او «هنر نفهمی آگاهانه» دارد. البته و در یک نگاه کلی این رفتار به نظر می‌رسد که نوعی «فرار» از واقعیت باشد و در گام نخست در ذهنمان پرسش‌هایی را پدید بیاورد که مثلاً چرا این استراتژی در بین افراد به‌ویژه در دنیای امروز رایج شده است؟ آیا ریشه‌های روانی یا اجتماعی خاصی دارد؟ بدون شک، یکی از دلایل اصلی شاید این است که در دنیای پر از فشار و اطلاعات امروز و مسائلی اقتصادی و منافع شخصی، انسان‌ها برای حفظ امنیت روانی خود ترجیح می‌دهند که از برخی واقعیت‌ها فرار کنند که البته در بسیاری از مواقع (برای وجدان‌های هنوز

زنده و بیدار)، در خلوت خویش مواجهه با حقیقت یا پذیرفتن مسئولیت‌ها باعث اضطراب و احساس گناه می‌شود. بنابراین، افراد به‌طور ناخودآگاه و حتی آگاهانه، خود را به «نفهمی» می‌زنند تا از این احساسات رهایی یابند. از طرف دیگر، در جوامع امروزی، جایی که روابط انسانی بیشتر از طریق رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی برقرار می‌شود، این نوع فرار از حقیقت حتی بیشتر دیده می‌شود، زیرا در این فضا می‌توان به راحتی «نقاب» بر چهره زد. موضوعی که امروزه در زندگی واقعی هم خیلی به چشم می‌خورد و بسیار بر روی روابط انسانی و جامعه تأثیرگذار است. این رفتار، در کوتاه‌مدت ممکن است به افراد احساس راحتی بدهد، زیرا از درگیری با واقعیت‌های پرشمار جلوگیری می‌کنند؛ اما در بلندمدت، باعث ایجاد فاصله‌های عمیق‌تر در روابط می‌شود. وقتی افراد خود را به «نفهمی» می‌زنند یا از مسئولیت‌ها و ... فرار می‌کنند، این موضوع در نهایت به بی‌اعتمادی و نارضایتی منتهی شده و در جامعه‌ای که افراد تمایلی به مواجهه با واقعیت‌ها ندارند، فضایی برای رشد و تغییر واقعی ایجاد نمی‌شود؛ بنابراین، در نهایت این رفتار به زبان خود فرد و جامعه خواهد بود. در این میان و صدا البته به باور صاحب‌نظران، تغییر این نوع رفتار نه تنها ممکن بوده، بلکه ضروری است و به نظر اولین قدم در این راستا، «خودآگاهی» است. اینکه افراد باید بتوانند بفهمند که وقتی از حقیقت فرار می‌کنند، چه آسیب‌هایی به خود و دیگران می‌زنند. در مرحله بعد، باید فضای گفت‌وگو و تبادل نظر را در جامعه تقویت کنیم تا افراد بدون ترس و ... از قضاوت شدن، بتوانند با واقعیت‌ها روبه‌رو شوند یا جرأت نکنند خود را به «نفهمی آگاهانه» بزنند. همچنین آموزش مهارت‌های ارتباطی و اعتمادسازی در جامعه هم می‌تواند به افراد کمک کند تا کمتر از این نوع «نفهمی آگاهانه» استفاده کنند. از سویی دیگر جا دارد اشاره کنیم، افرادی که «نفهمی آگاهانه» را به‌طور مستمر و با تبخیر خاصی و به تعبیری هنرمندانه در روابط خود به کار می‌گیرند، تأثیرهای منفی زیادی می‌توانند بر محیط اجتماعی، فرهنگی و حتی فردی خود و دیگران بگذارند و این رفتارها نه تنها برای خود فرد بلکه برای اطرافیان نیز آسیب‌زا هستند. هنگامی که افراد در روابط اجتماعی خود از «نفهمی آگاهانه» استفاده می‌کنند، اعتماد دیگران به آن‌ها کاهش می‌یابد و این نوع رفتار به‌ویژه در روابط کاری، خانوادگی و دوستانه و ... باعث می‌شود که دیگران به فرد مشکوک شوند و در نتیجه، فرد از شبکه حمایتی

و اجتماعی خود فاصله می‌گیرد و به انزوا می‌افتد. در سطح جامعه نیز این بی‌اعتمادی می‌تواند به شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی عمیق‌تری منجر شود؛ زیرا مردم تمایلی به همدلی، همراهی و همکاری با کسی ندارند که از مسئولیت‌های خود و واقعیت‌ها فرار می‌کند. با نگاهی به نمونه‌های متعدد پیرامونی، روابط انسانی به‌ویژه در دنیای امروز، به ارتباطات صافانه و باز نیاز دارند. وقتی فردی به‌طور مداوم خود را به «نفهمی» می‌زند، این باعث می‌شود که روابط سطحی و بدون عمق شکل بگیرد. هیچ‌کس نمی‌تواند باکسی که مسئولیت‌های خود و واقعیت‌ها و حتی بدیهیات را نمی‌پذیرد یا از آن‌ها فرار می‌کند، ارتباطی پایدار و اصیل برقرار کند که این امر در نهایت به نارضایتی و ناامیدی در روابط منتهی می‌شود. از جنبه‌های دیگر یکی از تأثیرهای منفی «نفهمی آگاهانه» این است که فرد از پذیرش اشتباهات فکری یا تغییر رفتاری خود اجتناب می‌کند. این به‌ویژه در محیط‌های کاری و اجتماعی مضر است، زیرا پیشرفت تنها در صورتی ممکن می‌شود که افراد به‌طور «آگاهانه» مسئولیت‌پذیر باشند و اشتباهات خود را بپذیرند. از آنجایی که فرد به‌طور «آگاهانه» از فهمیدن واقعیت‌ها خودداری می‌کند، در موقعیت‌های مهم نمی‌تواند تصمیمات صحیح بگیرد و در نتیجه از رشد و پیشرفت خود و پیرامونش بازمی‌ماند. باز با نگاهی به تجربه‌های فردی و تاریخی متعدد، افرادی که خود را به «نفهمی» می‌زنند، گاهی در برابر مسائل اجتماعی و فرهنگی مهم، همچون تبعیض‌ها، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها واکنش نشان نمی‌دهند. این نوع خودداری از آگاهی، باعث گسترش تبعیض و بی‌عدالتی می‌شود؛ زیرا وقتی افراد از شرایط موجود «آگاهی» دارند اما در برابر آن سکوت می‌کنند یا خود را به «نفهمی» می‌زنند، دیگران هم از انجام تغییرات ضروری خودداری می‌کنند و این در نهایت می‌تواند به نهادینه شدن نابرابری‌ها و ظلم‌ها در جامعه منجر شود. وقتی که افراد از «نفهمیدن آگاهانه» استفاده می‌کنند، به‌طور غیرمستقیم به دیگران این پیام را می‌دهند که هیچ چیز مهم نیست و می‌توان از مسئولیت‌ها و موقعیت‌ها و واقعیت‌ها فرار کرد که این نوع رفتار می‌تواند باعث تقویت فرهنگ «سکوت» و «بی‌تفاوتی» شود که در آن افراد در مواجهه با مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی واکنشی نشان نمی‌دهند که این نوع بی‌تفاوتی می‌تواند به کاهش همبستگی اجتماعی و عدم توجه به مسائل حیاتی جامعه را به همراه داشته باشد. حال ممکن است این پرسش مطرح

شود که در برابر «نفهمی آگاهانه»، چه باید کرد؟ بله سؤال به‌جایی است، اما پیش از تلاش برای پاسخی به آن باید عنوان کرد که در گام نخست و در مقابله با این نوع رفتار، ابتدا باید به‌طور «آگاهانه» خود و دیگری را نسبت به پیامدهای آن آگاه کنیم و برای تغییر آن در خود و در جامعه اقدام کنیم. در مسیر پاسخ به این پرسش، مهم‌ترین قدم برای مقابله با «نفهمی آگاهانه» بیدار کردن وجدان و آگاه کردن خود و دیگران از پیامدهای آن است. افرادی که به این رفتار مبتلا هستند باید بدانند که این نوع فرار از حقیقت نه تنها خود آن‌ها را از رشد باز می‌دارد بلکه دیگران را نیز از دستیابی به درک مشترک و بهبود شرایط اجتماعی محروم می‌کند که استفاده از گفتگوهای صادقانه و ترویج شجاعت و بیدار کردن وجدان فردی (البته اگر همچنان زنده بوده باشد) در مواجهه با واقعیت‌ها در روابط فردی و اجتماعی و ... می‌تواند در قدم‌های اولیه کمک‌کننده باشد. اگر افراد در محیط‌های اجتماعی، خود احساس کنند که می‌توانند به راحتی و بدون ترس از واکنش‌های منفی حقیقت را بیان کنند، احتمال استفاده از «نفهمی آگاهانه» کاهش می‌یابد و نیز ایجاد فضایی که در آن افراد به راحتی نظرات و اظهارنظرهای خود را به اشتراک بگذارند و برای اشتباهات خود پاسخگو باشند، می‌تواند نقش مهمی در کاهش این رفتارها ایفا کند. با نگاهی به تاریخ و مصادیقی در آن، جوامع و سازمان‌هایی که به مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی اهمیت می‌دهند، به‌طور طبیعی کمتر شاهد رفتارهای «نفهمی آگاهانه» بوده‌اند، پس باید این فرهنگ را ترویج داد که پذیرش حقیقت و مواجهه با مشکلات، نه تنها باعث پیشرفت فردی می‌شود بلکه به بهبود وضعیت اجتماعی نیز کمک می‌کند. در پایان و با تأکید چندباره، یکی از دلایل اصلی «نفهمی آگاهانه» در سطوح کلان جامعه، نبود شفافیت در سیاست‌ها و تصمیمات است. وقتی مردم نتوانند به‌طور واضح متوجه شوند که چه اتفاقی در حال رخ دادن است یا دلیل یک تصمیم خاص چیست، ممکن است به بی‌اعتمادی برسند و با خود بگویند یعنی منم باید دچار «نفهمی آگاهانه» شوم؟ آیا در جامعه شیوع پیدا کرده و من خبر ندارم؟ راستی این فرهنگ «نفهمی آگاهانه» را چه کسی در جامعه ترویج داده و یا در چه سطوحی با آن بیشتر مواجه هستیم؟ پرسش‌ها پرشمار هستند و به نظر می‌رسد راه چاره تنها پاسخش را همه می‌دانیم فقط کافی ست در خلوت یک با دیگر به آن پاسخ دهیم و بعد بلند و رسا پاسخمان را اجتماعی کنیم.

آق‌قلا جواهری در قلب گلستان

این تجربه‌ای است که فقط در آق‌قلا پیدا می‌کنید.

نکاتی برای مسافران نوروزی در رمضان

آق‌قلا در نوروز و رمضان، شهری آرام و دل‌انگیز است، اما چند نکته را فراموش نکنید. چون ماه رمضان است، رستوران‌ها و کافه‌ها تا افطار بسته‌اند، پس برای سحری و افطار، غنا و آب همراه داشته باشید. آب و هوای بهاری اینجا معتدل است، ولی شب‌ها کمی خنک می‌شود؛ یک ژاکت سبک بردارید. اگر قصد اقامت دارید، مهمان‌خانه‌های محلی یا اقامتگاه‌های بوم‌گردی را امتحان کنید تا حال و هوای ترکمنی را بیشتر حس کنید. و مهم‌تر از همه، با مردم مهربان این شهر هم‌کلام شوید؛ داستان‌هایشان از زندگی در این دشت‌ها، سفرتان را شیرین‌تر می‌کند.

آق‌قلا مقصدی برای دل و جان

نوروز در آق‌قلا فقط سفر نیست؛ یک تجربه است. از پل تاریخی که قصه قرن‌ها را در دلش دارد، تا تالاب‌هایی که بهار را فریاد می‌زنند و مردمی که با لبخند و مهمان‌نوازی‌شان دلتان را گرم می‌کنند. در این رمضان بهاری، چماندانتان را ببندید، یک بطری آب و چند دانه خرما بردارید و راهی شوید. آق‌قلا منتظر است تا با جادوی طبیعت و فرهنگش، نوروزی متفاوت برایتان بسازد. اینجا نه فقط جسم، که روحتان هم سیراب می‌شود. سفرتان به‌خیر!



به دشت‌های اطراف بروید. اینجا سرزمین اسب‌های ترکمن است؛ اسب‌هایی که انگار با باد مسابقه می‌دهند. در نوروز، گاهی مسابقه‌های کوچک اسب‌سواری برگزار می‌شود که تماشایش خالی از لطف نیست. در ماه رمضان، این برنامه‌ها به بعد از افطار موکول می‌شوند. تصور کنید زیر آسمان پرستاره، کنار یک آتش کوچک، با یک کاسه آش محلی افطار کنید و صدای سم اسب‌ها را بشنوید.

بخرید که طعمش تا مدت‌ها زیر زبانتان می‌ماند. برای سوغات هم، یک جفت جوراب پشمی دست‌بافت یا یک تکه پارچه سوزن‌دوزی شده بردارید تا یادگاری از این شهر همراهتان باشد. در این روزها که رمضان و نوروز با هم گره خورده‌اند، بازار حال و هوای عید و عبادت را یک‌جا دارد.

اسب‌های ترکمن و دشت‌های بی‌پایان

اگر دلتان هیجان می‌خواهد، کمی از آق‌قلا دور شوید و

ساعت هنوز به طلوع آفتاب نرسیده، نسیم خنکی از دشت‌های ترکمن صحرا به سمت آق‌قلا می‌وزد و صدای اذان صبح در کوچه‌های شهر می‌پیچد. اینجا، در این گوشه از استان گلستان، انگار زمان کمی آهسته‌تر قدم برمی‌دارد. آق‌قلا، شهری که نامش با پل تاریخی‌اش گره خورده، در نوروز و در ایام ماه رمضان، رنگ و بوی دیگری به خود می‌گیرد. به گزارش ایرنا، وقتی به آق‌قلا قدم می‌گذارید، اولین جایی که چشم‌تان را می‌گیرد، پل آق‌قلاست؛ یک پل آجری که از دوره صفویه تا امروز، مثل نگهبانی استوار روی گرگان‌رود ایستاده است. آفتاب که غروب می‌کند و وقت افطار نزدیک می‌شود، نور نارنجی خورشید روی آجرهای قدیمی‌اش می‌نشیند و منظره‌ای می‌سازد که دل هر مسافری را می‌برد. در این روزهای رمضان، کنار پل، بساط افطاری‌های ساده پهن می‌شود؛ نان تازه، خرما و جای داغ که عطرش با نسیم بهاری قاطی می‌شود. برای شما که نوروز را در آق‌قلا می‌گذرانید، قدم زدن روی این پل و گوش دادن به صدای آب، آرامشی به ارمغان می‌آورد که بعد از یک روز گشت‌وگذار، بهترین هدیه است.

بازارچه‌های محلی و سوغات ترکمنی

نوروز در آق‌قلا بدون گشت‌زدن در بازارچه‌هایش کامل نمی‌شود. زنان ترکمن با لباس‌های رنگارنگ، روسری‌های گل‌گلی و دست‌هایی که هنر را می‌یافتند، قالیچه‌ها و گلیم‌های دست‌بافتشان را به نمایش می‌گذارند. اینجا می‌توانید برای سفره افطارتان حلوی «اوماج» یا «چک‌درمه»

آخرین دیدار سال

هفته ای یکبار با کودکان و نوجوانان گلشن مهری در سراسر ایران (آنلاین یا حضوری)، حافظ، سعدی و شاهنامه فردوسی می خوانیم. چهارشنبه، پانزدهم اسفند همزمان با روز درختکاری، درخت دوستی در دل نشانیدیم و کام دل به بار آمد. در این دیدار، خانواده ها، کودک و نوجوان و بزرگسال سی غزل حافظ خواندیم و شنیدیم و در چهارمین روز ماه رمضان افطار کردیم.



یادداشت دیر صفحه



آزاده حسینی

با آرزوی سلامتی و سعادت برای خانم قرآنی و آقای مکتبی بنیانگذاران روزنامه گلشن مهر. امسال با توجه به قطعی های برق و سرما و تعطیلی هایش؛ گاهی با وقفه چاپ بودیم و تعداد بسیار زیادی از مطالب به نوبت چاپ نرسیدند. خوشحالیم که سرچشمه قلم شما پیوسته جوشان است و رودخانه کلمات از مغزتان همیشه در جریان.

این هفته اگر چهارصفحه ویژه هم منتشر میشد، باز هم نوبت به همه نمی رسید. در نتیجه طوری نوشتیم که می بینید. نام همه دوستان و همراهان به یادگار اینجا می ماند تا نگاهی بیاندازیم به کارنامه خود و اینکه تا چه حد گام های درست در مسیر هدف برداشتیم؟ تمامی برنامه های امسال بدون پشتیبانی مالی از نهادهای دولتی و غیر دولتی برگزار شد. می خواهیم مدیرکل آموزش و پرورش و ریاست شهرستان ها این صفحه را بخوانند که آیا شما تا کنون موفق شده اید حتی یک جلسه یک ساعته بدون هزینه دولت برگزار کنید؟ استاندار گرامی! مسئولین تمام نهادها! این صد و نود و نهمین شماره از صفحه ادبیات کودک و نوجوان است. همه نه، اما به جرات می توان گفت هشتاد درصد همراهان روزنامه گلشن مهر با ادبیات ایران زندگی می کنند. هر روز می خوانند و می نویسند و «اندیشیدن» می آموزند. هر کدام از کودکان و نوجوانان این صفحه در

آینده ای بسیار نزدیک، شغلی در این کشور دارند و به جای یکی از مسئولین سمتی خواهند داشت. چه بهتر که با هر میزان تحصیلات و در هر جایگاهی از اجتماع، هنرمندی باشیم که به تعبیر سعدی «هرجا که رود قدر ببندد و بر صدر نشیند». می دانیم که اگر از دوران کودکی یا نوجوانی در محفلی با همسن و سالان خود در کنار بهترین نویسندگان های استان یا کشور از حافظ، سعدی، شاهنامه بخوانیم و بشنویم؛ اگر فن بیان، مهارت اجتماعی، روابط عمومی و توانمندی نوشتن خود را تقویت کنیم؛ بی شک خوشوقت تر خواهیم بود. ما به یاری خداوند جان و خرد و به همت عالی، بدون شما این راه را تا اینجا آمده ایم؛ مشتاقانه امیدواریم که مصلحت دانسته و در ادامه راه، شما نیز همراهان باشید. به گفته حافظ، الهی که:

تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد
وجود نازکت آزرده گزند مباد

بلندگویم آمین و پیش به سوی بهاری که می رسد از راه.

موضوعات پژوهش و نوشتن:

هر روز چند سطر بنویسیم و تمرین کنیم. قرار نیست حتما همه نویسنده شویم ولی با تمرین های این ستون و حضور در کارگاه ها یاد می گیریم که چگونه در هر شغلی که هستیم بهتر فکر و منظورمان را بیان کنیم. نمونه هایی از موضوعاتی که شما کودکان و نوجوانان گرامی در کنار موضوعات دلخواه و آزاد به آن پرداختید و پس از مطالعه نمونه های مشابه در مورد آن نوشتید و فرستادید: رویدادهای علمی و پژوهشی و سفرهای گلشن مهری؛ تحقیق در مورد شاملو، شفیعی کدکنی، سیاوش کسرایی، مهدی اخوان ثالث، بهار، تصمیم، تغییر طبیعت و آدمی؛ آگاهی، آب، نان، آواز، قلب؛ سرقت ادبی و کپی متن. بازنویسی و بازآفرینی برخی متون ادبی؛ شناخت صدا؛ درخت سیب یا گلابی؛ حس قربانی شدن؛ نابودی منابع طبیعی؛ زیاده، شروع را جلدی بگیریم. ماه مهر و تصمیم های تازه برای هدف؛ هفته آزمون های مدرسه و برنامه ریزی. حواسپرتی و فراموش کاری، آداب معاشرت. آدامس در فضای اجتماعی، تلفن همراه، وقت، فامیل، ارزش خانواده، خواهر و برادر و فرزند جدید، پایداری، تلاش، خاطره اولین بارها، نامه ای به حافظ. ماجرای همیشه، سلامتی، عقل سالم در بدن سالم، تغذیه و اشتیاق به خوردن، ورزش، به خود قول می دهم. بهترین کتابی که خوانده ام. دیدار با نویسنده و شاعر. ماجرای دیدار با هری پاتر یا شخصیتی دیگر. نوشتن متن با گویش های محلی منطقه آشنایی با فولکلور و بررسی اصطلاحات محاوره. خاطره نویسی سال آخری ها. خاطره نویسی دانشجویان ترم اولی، خاک: خاک سرزمین یا خاک زمین. دلهره یا اشتیاق هجده سالگی. ماجرای از شب یلدا. طنز یا جدی. بنی آدم اعضای یک پیکرند. سفرنامه و گزارش کنید. بسیار سفر باید تا پخته شود خامی. فرش ایرانی. درد مشترک آدمیزاد. زیبایی. محبت و دوست داشتن.

بخوانیم

هر هفته در گلشن مهر در ستونی به نام «... بخوانیم» یادداشتی کوتاه در معرفی اثر شاعر یا نویسنده ای داریم. معمولا همراه با این ستون در کارگاه های فضای مجازی با هم نمونه هایی از این آثار را مطالعه می کنیم. امسال نیز با هم از این آثار خواندیم. در صورتی که بعضی ستون ها را از دست داده یا تازه به گروه پیوستید، در سایت یا کانال تلگرام یادداشت های اول را بخوانید: شاهنامه، خیام، سیاوش کسرایی، شفیعی کدکنی، حافظ، فائز دشتستانی، احمد شاملو، ویسواوا شیمبورسکا، پروین اعتصامی.

یاران همراه

در این قسمت سعی داریم نام تمام افرادی که در طول سال با ماه همراه بودند را به یادگار بیاوریم. شاید فردی تازه به تحریریه کودک و نوجوان پیوسته، شاید کسی اول سال اثری فرستاده و دیگر خبری از او نشد؛ همه اینها در کنار افرادی که هر هفته اثر جدید برای ما می فرستادند، تحریریه صفحه کودک و نوجوان را تشکیل می دهند. امیدواریم نامی از قلم نیفتاده باشد. سیده فاطیما عقیلی (سها)، سیده ماتیسا حسینی، فاطمه سادات سیدالنگی، آرنیکا روح افزایی، آران روح افزایی، ویانا روح افزایی، فاطمه مزنگی، بهار جام خورشید، حلما رسولی، شیرین جام خورشید، آیلین امیری، آتنا رادپور، آتریسافغانی، آیلین عبدلی، زهرا مازندرانی، یسری شهواری، سحر حسن زاده نوری، پرستو علاءالدین، نازنین زهرا خانقلی، سارا عابدی فر، نیایش حسینی، سوگند خبلی، بنیبا رادپور، فاطمه رادپور، نازنین زهرا چیت بند، مهرانا یوسفی، لیانا یوسفی، کوروش رثوفی، ستاره گودرزی، فائزه رسولی، نرگس کوهکن، مائده احمدی، سارا مقصدلو، فاطمه دلدار، فاطمه زهرا مازندرانی، سیده نیکا موسوی،

فاطمه زهرا ترابی نژاد، زهرا ریاحی، ماهان الوار زندی، سید مهدی حسینی، محمدرضا صباغ، فرید زاهد، نیما ابراهیم زاده، معصومه مازندرانی، نیلوانا گودرزی، باران شیخ ویسی، مریم علی اکبری، زینب اسدی، زینب رحیمی نژاد، دینا قربانی، سامینا سلطانی، نیلوفر خواجه، اسرا اخلی، آرنی زنگی، فاطمه خاندوزی، فاطمه لاک تراش، ریحانه زائر نومی، غزاله بادله، فاطمه زهرا شهاب، زهرا حسینیقلی ارباب، ابوالفضل ایلات، آندریا کیا، رونیکا منوچهری، یاسین رضایی زاده، حدیثه کوهساری، آیسنا طائی، زهرا جندقی، آیلین علیزاده، النا رضایی، فاطمه علیزاده، شمیم شاهدادی، زهرا شاهدادی، ویشکا مهران، نازنین زهرا طاهریان، هدیه سادات حسینی، کوثر شهیدی نیا، عسل رضایی، رکساناسادات حسینی، آرنیکا رستگاریان، آتریس منوچهری، هانا زارع، ضحی مرزبانی، ایلیا فلاح، فاطمه حیدری، زینب غلامی، دلنیا رسولی، فاطمه سادات بنی کریم، ترنم منوچهری، فاطمه زهرا سنچولی، طنین رستمی، مه نیا بابایی، ایسا معتمد، تانیا معتمد، ستایش غریبی، نازنین زهرا طاهریان، فاطمه محمدنژاد، هدیه سادات حسینی، مرسانا صدیق، فاطمه قاسمعلی، امیر قاسمعلی، مائده قاسمعلی، فاطمه ریواز، الینا فخفوری، فائقه بزنی زاده، پرند اسلامی، فاطمه قربانی، هلن مرادی، آرنوش یوسفی، نازنین زهرا همتی نیا، بهنیا کیانی، آوینا کیانی، ترمه حیدرهایی، دلسا آخوندی، ارغوان شجاعتی، جانان خلیلی، فهیمه زرگری، علیرضا خانقلی، مایسا محمدخانی، ماهک میرزایی، فاطمه زهرا صادقی نژاد، هستی عسگری، حورناز ذرتی پور، آوا روشنی، مهنا ملکی، محمدجواد علی محمدی، روزین رحمانی، ابوالفضل سنچولی، هستی نجاره، نگین نوره محمدی، سارینا میری، اسرا موجنیان، آرش قمی، سپینا ابراهیم زاده، مهران زنگانه، محمدمامین کیخا، ارسلان گوکلانی، ملینا مستمند، فاطیما عزیزیان، آناهیتا شیخ، فاطیما نودیجه.

خانواده ها و بزرگسالانی که در نوشتن اثر یا در سفر و دورهمی و مراسم فرهنگی همراه بودند (نام های تکراری به دلیل تشابه اسمی است): حکیمه احمدی، فائزه کیا، سمیه زاهد، ترانه محمدی، سارا رضایی، زهرا ریاحی، محدثه عرب، الهه طیب، ایراندخت ملاحی، آرمیتا الوند، ندا قائمی، نرگس یحیی نژاد، سمیه حسینی، زهرا انصاری، موسی الرضا خاندوزی، پریسا کیا، علی روح افزایی، وحید روح افزایی، فائزه یعقوبی، صفورا طیبی، محبوبه تیبانیان، مرضیه ملکیان، نسترن محمدپور، آمنه جام خورشید، مریم گشتاسبی، مریم لطفی، ملکه مازندرانی، مریم منصوری، فریبا زرگران، محمود زاهد، احمد سپیدیان، محمد رستمی، علی محمد مصدق، حسینعلی رجب نژاد، فغان فخفوری، بهزاد ایلات، اعظم حسینی، علی اصغر عقیلی فر، محمود نجاتی، نعمت طیبی، سید رضا پارسایی. سپاس ویژه از استاد سیدحسین میرکاظمی نویسنده گرامی که امسال سعادت دیدار حضوری فراهم نشد؛ ولی همواره از راهنمایی و لطف ایشان بهره مندیم. دکتر محمد اسماعیل اسدی پژوهشگر بین المللی خاک که اردیبهشت در سفر النگ دره و پاییز در روز بین المللی خاک سعادت دیدار ایشان را داشتیم. استاد غلامعلی قاری پژوهشگر شاهنامه که در مراسم شاهنامه خوانی همیشه همراه ما بودند. سپاس از دبیرانی که گاهی یا همیشه از طرف مدرسه با ما همکاری داشته اند. امیدواریم که مدرسه ها تدابیری فراهم کنند تا بچه ها با نوشتن و خواندن آشتی کنند.

خانم حکیمه احمدی از کارگاه داستان نویسی

دبستان علی آباد

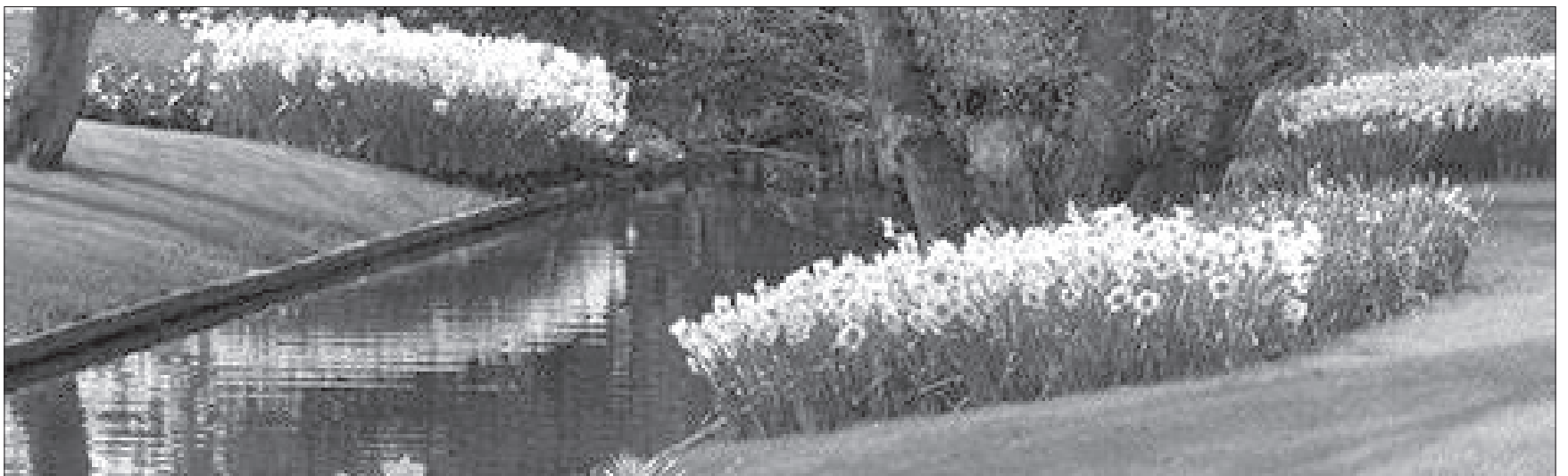
خانم فائزه کیا: گرگان دبستان شکوفه های انقلاب

خانم کوثر قندهاری. گرگان. دبستان شهید جعفر

شهابی

خانم آرمیتا الوند: دبستان شهید افضلی کردکوی

خانم هدایتی: هنرستان بعثت گرگان



نگاهی به کارنامه کودک و نوجوان گلشن مهر در سال ۱۴۰۳

۲۶. سفر علمی فرهنگی به گنبد
الف. بازدید از کتابخانه عمومی گنبد
ب. بازدید از کارخانه صباح کارتن
ج. بازدید موزه فرش گنبد
د. بازدید از برج گنبد کاووس
۲۷. دوره آموزشی خوانش بیت های سده در شاهنامه.
۲۸. مراسم بزرگداشت جشن سده (بی نظیرترین جشن استان گلستان)
۲۹. دوره‌ی و مراسم گرامیداشت سپندارمزان روز پنجم اسفند
۳۰. دوره‌ی و اختتامیه کلاس های حافظ خوانی پانزدهم اسفند
۳۱. دوره‌ی و اختتامیه دوره های نوشتن خلاق

۱۵. برگزاری دوره نویسندگی ویژه تابستان
۱۶. برگزاری دوره نقاشی و خوشنویسی ویژه تابستان
۱۷. برگزاری دوره معرفی و نقد انیمیشن
۱۸. گردش مزرعه مرال
۱۹. آشنایی با داستان کوتاه چخوف دوره یک ماهه
۲۰. آشنایی با جمالزاده و خوانش داستان کباب غاز
۲۱. دوره خوانش داستان فریدون در شاهنامه و جشن مهرگان
۲۲. جشنواره نامه ای به حافظ و گرامیداشت روز حافظ
۲۳. بزرگداشت حافظ در سی مدرسه.
۲۴. حضور و اجرا در مراسم روز بین المللی خاک
۲۵. دور همی حافظ خوانی و گرامیداشت پلدا

گلستان سعدی.
۵. مراسم بزرگداشت فردوسی.
۶. مراسم بزرگداشت خیام
۷. گردش علمی پژوهشی به انگ دره گرگان با همراهی دکتر اسدی
۸. دوره آموزشی آشنایی با توران میرهادی
۹. دیدار، بازدید و دوره‌ی دفتر روزنامه گلشن مهر
۱۰. مراسم گرامیداشت روز ادبیات کودک و نوجوان
۱۱. مراسم بزرگداشت روز قلم
۱۲. برگزاری کارگاه آواز با استاد ساور
۱۳. دوره آشنایی با آوازاها و تصنیف های ایرانی
۱۴. حضور و اجرا در مراسم بیست و پنج سالگی روزنامه گلشن مهر

امسال نیز دوستان جدیدی به جمع ما پیوستند و در کنار یاران همیشگی آهسته و پیوسته گام برداشتیم و آموختیم. لوح تقدیر و گواهی حضور تمام برنامه ها طبق آنچه که قول داده شده در مراسم رسمی سال آینده تقدیم می گردد. بعضی از این رویدادها با هم مرور می کنیم تا یادمان باشد در کارنامه خود چه به جای گذاشتیم.
۱. جشنواره نوروز و خوانش بیت های نوروز در شاهنامه فردوسی
۲. خوانش و آموزش بیت های بهاری شاعران ایران
۳. بزرگداشت عطار؛ برگزاری دوره آموزشی: مطالعه و بررسی منطق الطیر و برخی غزل ها
۴. یکم اردیبهشت: مراسم بزرگداشت سعدی؛ دوره آموزشی خوانش ده غزل، دیباجه و سی حکایت



۳۰ آذر مراسم دوره‌ی و شاهنامه



اجرا در مراسم روز بین المللی خاک



اختتامیه کلاس های حافظ خوانی و افطار



انگ دره در بهار



بازدید از برج آجری گنبد



بازدید از کارتن صباح



بازدید از موزه فرش



پارک شهر گنبد



دیدار با دکتر اسدی



خیام خوانی در بهار



حافظ خوانی و افطار در روز چهارم ماه رمضان



تمرین در تالار



سفر گنبد



کارگاه داستان نویسی



کتابخانه عمومی گنبد



کلاس های هنری تابستان



۵ اسفند مراسم سپندارمزان



مزرعه مرال



یکم اردیبهشت روز بزرگداشت سعدی



خوراکی های پشت صحنه



مراسم جشن سده آتش و آتش



بازدید از کتابخانه عمومی گنبد



خبر

۱۰ پرونده فرار مالیاتی در گنبدکاووس کشف شد



مدیر امور مالیاتی گنبدکاووس، از کشف ۱۰ فقره پرونده فرار یا کتمان مالیاتی در این شهرستان مرزی خبر داد و گفت: این پرونده‌ها که با همکاری دادستان عمومی و انقلاب و تلاش واحد بازرسی و مبارزه با پولشویی این اداره از یک صنف شناسایی شده، افزون بر ۴۸ میلیارد ریال شامل مطالبات و جرایم کتمان، ارزش دارد. به گزارش روابط عمومی، مهلی کاغذلو به مودیان مالیاتی حقیقی و حقوقی توصیه کرد، برای جلوگیری از بازنگری کل مبادلات سالانه خود (درآمد و هزینه)، اظهارنامه‌های خود را به سازمان امور مالیاتی ارائه داده و مالیات واقعی را پرداخت کنند. وی همچنین اعلام کرد: در فصل پاییز سال جاری، هزار و ۱۵۰ اظهارنامه مالیات و عوارض ارزش افزوده در گنبدکاووس تسلیم شده که نسبت به فصل تابستان، رشدی ۱۰۷ درصدی را نشان می‌دهد. کاغذلو از مودیان خواست برای جلوگیری از اقدامات اجرائی، مبالغ اظهارنامه‌ها را هرچه سریع‌تر پرداخت کنند. مدیر امور مالیاتی گنبدکاووس از وصول ۶ هزار میلیارد ریال مالیات از ابتدای سال تا پایان بهمن ماه خبر داد و افزود: از این مبلغ، هزار و پنج میلیارد ریال به حساب سه شهرداری و دهیاری‌های این شهرستان برای فعالیت‌های عمرانی و توسعه شهری و روستایی واریز شده است. وی ادامه داد: بر اساس شاخص جمعیت، ۲۶۵ میلیارد ریال به شهرداری گنبدکاووس، ۱۷ میلیارد و ۸۴۱ میلیون ریال به شهرداری کرند، هفت میلیارد و ۳۳۰ میلیون ریال به شهرداری اینچه‌برون و ۶۱۴ میلیارد ریال به دهیاری‌های مناطق روستایی اختصاص یافته است. کاغذلو با اشاره به اجرای طرح ملی نشان‌دار کردن مالیات‌ها در سال جاری، اظهار کرد: این طرح به توزیع عادلانه منابع، افزایش شفافیت در هزینه‌کرد مالیات‌ها و تقویت فرهنگ مالیاتی کمک می‌کند. وی افزود: این طرح حس مالکیت مودیان را افزایش داده و شتاب پروژه‌های عمرانی را بیشتر می‌کند. به گفته او، تعریض و آسفالت جاده گنبدکاووس تا شهرک صنعتی این شهرستان از جمله پروژه‌های مشمول این طرح در سال جاری است. مدیر امور مالیاتی گنبدکاووس با اشاره به ماده ۲ قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان، تأکید کرد: همه اشخاص مشمول موظف‌اند صورت‌حساب‌های خود را از طریق این سامانه صادر کنند و تنها این صورت‌حساب‌ها برای محاسبه اعتبار مالیاتی معتبر خواهند بود. وی به ویژه به صنف طلا جواهر و پلاتین هشدار داد معاملات خود را در سامانه ثبت کنند تا از جرایم سنگین ۹ درصدی اصل طلا که غیرقابل بخشش است، جلوگیری شود.

کرد و باز به ۱۸۸۱ میلادی قرارداد آخال برادران و خواهران شرقی را تا سغد (تاجیکستان امروز) عزیز و دل‌ریا از ما گرفت و تات‌ها شدن تاجیکستان و تات‌های ارمنستان و گرجستان دیگر نتوانستند تات‌های استرآباد و گیلان و دگرجای‌ها را ببینند، گلداسمیت، هرات این ولایت ولیعهدشین صفوی را از ما ستاند و با همه جانفشانی محمداش قاجار اما هرات ایرانی با تهدید توپ‌ها و کشتی‌های توپ‌دار انگلیسی مواجه شد. انبران و قصه در شمال غرب و غرب هم چنان چون شرق تلخ و حزن‌آور بود تا قرارداد ارزالوم به سال ۱۸۴۷ میلادی بخشی دیگر از ایران را تبدیل به انبران کرد و در حال حاضر این برادران و خواهران که به اجبار از مام میهن جدا شدند، اگر از محنت روزگار به سرزمین مادری درآیند، مهاجر مهاجم نگرینسته و با آنان، آن می‌کنند که با انبرانیان. ما، سرزمین، ایران مانده در میان تعارضاتی، دافع-دافع، دافع-جاذب، جاذب-جاذب. وقتی به نظامی، خاقانی، جلال‌الدین بلخی، سوزنی سمرقندی، رودکی و ... می‌رسیم، آنان را چو جان شیرین در آغوش گرفته و می‌بوسیم و می‌بوئیم و آنان را از خود می‌دانیم به ابوریحان و خوارزمی چون ابن‌سینا و خیام مفتخر، چون به هم‌شهریان‌شان برخورد می‌کنیم. روی ترش کرد و لب فروسته که یعنی، تورا نمی‌شناسیم و این تضاد را دشمنان زند، در کوره آتشش بدمدن و دوستان لب‌گزند که چه سخت شد کار ایران؟

فعال مدنی

با هم و برای هم زیست کرده و روزگاری بر صفحه شطرنج این کهن دیار بازمانند و رفتند. این کهن دیار نامش ایران بود که ماند از روزگاران دیر. فلات قاره بزرگ بود و بزرگ‌تر شد و بزرگ بود و کوچک شد. یک میراث مشترک اما همیشه هویتی مشخص به او داد، نوروز، نوروز را جمشیدشاه ساخت و این سرزمین پهناور چون فرزند خویش این میراث را در آغوش گرفت و با همه فراز و فرود روزگاران حفظش کرد، میراثی جاودان و مشترک که اینک بیش از ۱۲ کشور خود را متعلق به آن و آن را بخشی از هویت خویش ترجمه می‌کنند و اینکه ایران‌ویج با همه مردمانش کجاست؟ بحثی دگر باید. ما در زمینی پهناور، بزرگ، با مردمانی گوناگون در کنار هم می‌زیستیم، اما همیشه خانواده و خانه به یک قرار نباشد، یا ما سراغ دیگران رفتیم، تا مصر و دریای سیاه و آکریپولیس و گاه بوده است که از مقدونیه در غرب یا استپ‌های تبت و مغولستان و یا کوه‌های بالخان و شبه‌جزیره عربستان و دشت قبیچاق که اینک روسیه‌اش می‌خوانند، مهمان ما! و مای بزرگ، کوچک می‌شدیم و تکه تکه تا نادری پیدا و یا آغامحمد خانی که این تکه‌ها را در خانه پدری جمع کنند. اما از ۱۸۱۳ میلادی این سرای پهناور مجبور به تکه شدن شد و برادر و خواهران از یکدیگر جدا. اول دوردست‌تر اما اصلی، چون گنجه برفت و نظامی گنجه‌ای خاقانی در آن سوی مانده، ۱۸۲۷ میلادی این بار دیوار جدایی تا ارس (آراز) آزریده رسید و باز دیوارها بود که فرزندان جمشید را از هم به‌ناچار جدا کرد. این فراق به سال ۱۷۷۵ به بلوچستان، فرزندان کوروش رسید و قرارداد گلداسمیت، بلوچستان را شقه و شرحه شرحه



ما، زمین، ایران ...



محمد کاظم نظری

یکی از کهن‌تمدن‌های جهان، فلات ایران است. سرزمینی پر از تمدن‌های فرهنگی و مادی، با مردمانی رنگارنگ از اقوام و نژادهای مختلف که در کنار هم،

سبز بکاریم، سبز نگه داریم

جهانبخش صادقیان گفت: این نهال‌ها اگرچه رشد خوبی داشتند، اما به دلیل آتش‌سوزی کاه و کلش یا قطع غیرقانونی توسط قاچاقچیان چوب از بین رفتند. وی تأکید کرد: نهال‌ها برای زنده‌مانی به سه تا پنج سال مراقبت نیاز دارند و آموزش و فرهنگ‌سازی با کمک رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی، لازمه موفقیت این تلاش‌هاست.

نقش مسئولیت اجتماعی و تشکل‌های مردمی

صادقیان خواستار مشارکت بیشتر نهادهایی چون آموزش و پرورش، شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد در درختکاری و نگهداری از آنها شد. وی همچنین از توزیع سالانه ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار اصله نهال رایگان در گلستان خبر داد و گفت: اگر ۸۰ درصد این نهال‌ها به ثمر برسند، نتیجه مطلوبی حاصل خواهد شد. معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی گلستان توسعه زراعت چوب را راهکاری برای کاهش قاچاق چوب و حفاظت از درختان دانست و افزود: نگهداری درختان در مناطق محروم از نظر اجتماعی و اقتصادی، چالش‌برانگیز و پرهزینه است.

ظرفیت تشکل‌ها و آینده سبز گلستان

با وجود فعالیت هفت تشکل تخصصی در حوزه منابع طبیعی و محیط‌زیست گلستان، صادقیان بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت این گروه‌ها برای فرهنگ‌سازی و توانمندسازی جوامع محلی تأکید کرد. گلستان با بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت و پراکندگی در ۳۶ شهر و بیش از هزار روستا، نیازمند عزمی جدی برای توسعه و حفظ فضای سبز است تا هم از موابط طبیعی بهره‌مند شود و هم با تهدیدهایی چون ریزگردها مقابله کند.



نهال کاشته و با مشارکت والدین نگهداری می‌شود. وی همچنین مدارس و روستاها را مکان‌های مناسبی برای درختکاری با مشارکت دانش‌آموزان و دهیاران معرفی کرد.

تهدید ریزگردها و لزوم درختکاری در شمال گلستان

بسکی کاشت‌درخت و بوته‌درنواحی شمالی گنبدکاووس را برای مقابله با تهدید ریزگردها حیاتی دانست. این در حالی است که تجربه درختکاری در جاده‌های مرزی دانشی برون گنبدکاووس نیز نتیجه مطلوبی نداشته است. در سال ۱۳۹۷، طرح غرس ۶۰۰ اصله نهال سنج‌تلخ و گز در ۱۵۰ کیلومتر از جاده‌های این منطقه آغاز شد، اما به دلیل عدم تداوم طرح و نگهداری ناکافی، نهال‌ها نابود شدند.

تجربه‌های تلخ و ضرورت فرهنگ‌سازی

معاون امور جنگل اداره کل منابع طبیعی گلستان هم از تجربه ناموفق درختکاری در حاشیه برخی جاده‌های استان با گونه‌هایی چون اکلیپتوس، صنوبر و چنار خبر داد.

است. بهناز بسکی، مدیرعامل موسسه سبزگامان دکتر بسکی اعلام کرد که ۷۵ درصد از چهار هزار و ۵۰۰ نهال کاشته‌شده در حاشیه جاده گنبدکاووس- مینودشت طی چند سال اخیر از بین رفته‌اند. عواملی چون دخالت‌های انسانی، چرای دام‌ها و آتش‌سوزی کاه و کلش زمین‌های کشاورزی، اصلی‌ترین دلایل این ناکامی بوده‌اند. وی افزود: فقط هزار و ۱۰۰ نهال باقی مانده و ما مصمم هستیم با غرس دوباره نهال و مراقبت از آنها، فضای سبز این مسیر را احیا کنیم.

طرح‌های جدید برای احیای فضای سبز

موسسه سبزگامان بسکی برنامه دارد در هفته منابع طبیعی امسال پنج هزار اصله نهال توت بین شهروندان توزیع کرده و بخشی از آن را با همراهی اعضا غرس کند. بسکی با تأکید بر بی‌فایده بودن درختکاری بدون مراقبت، آموزش و فرهنگ‌سازی را ضروری دانست و پیشنهاد داد طرح «هر نوزاد یک نهال» در گنبدکاووس اجرا شود. در این طرح، به ازای تولد هر نوزاد در بیمارستان‌های این شهر، یک

کاشت درخت برای توسعه فضای سبز و بهره‌مندی از مزایای آن، از توصیه‌های مهم دینی در اسلام است. با این حال، مراقبت و نگهداری از نهال‌های کاشته‌شده، هم از منظر دینی و هم به اعتقاد کارشناسان، اهمیتی دوچندان دارد. به گزارش ایرنا، استان گلستان، یکی از مناطق شمالی ایران، با وجود برخورداری از ۴۵۲ هزار هکتار جنگل و طبیعت سرسبز، همچنان با چالش‌هایی مواجه است. داده‌ها نشان می‌دهد که دوسوم مساحت ۲۱ هزار کیلومتر مربعی این استان دارای اقلیم خشک و نیمه‌بیابانی است. مناطقی که ظرفیت کاشت نهال‌های مرتعی و درختی را دارند.

تغییرات اقلیمی و تلاش برای توسعه فضای سبز

تغییرات اقلیمی یک دهه اخیر، همراه با کم‌بارشی، خشکسالی و گاه بارش‌های شدید منجر به سیلاب، گلستان و کل ایران را تحت تأثیر قرار داده است. در این راستا، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری و شهرداری‌های گلستان هر ساله با صرف هزینه‌های قابل توجه، بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار اصله نهال درختی و بیش از ۲ میلیون اصله نهال مرتعی را با مشارکت مردم، جوامع محلی و تشکل‌های مردمی در شهرها، روستاها و مراتع کم‌پوشش گیاهی غرس می‌کنند. همچنین، توزیع چند صد هزار تا یک میلیون اصله نهال درختی برای توسعه زراعت چوب، از دیگر اقدامات قابل توجه این اداره است.

چالش‌های درختکاری در حاشیه جاده‌های گلستان

با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته، کاشت درخت در برخی نقاط گلستان، به‌ویژه در حاشیه جاده‌های اصلی، موفقیت‌آمیز نبوده

صنایع دستی گلستان گنجینه‌ای برای توسعه اقتصادی و فرهنگی

کمک کند. وی تأسیس انجمن صنایع دستی را فرصتی برای بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی در پشتیبانی از هنرمندان می‌داند. همچنین سیده‌هدلی حسینی، کارآفرین حوزه نساجی سنتی با ۱۰ سال سابقه تشکیل این انجمن را با توجه به تنوع قومیتی ۱۶ قوم ساکن در گلستان، ضروری می‌داند و امیدوار است این اقدام، حمایت‌ها را دوچندان کرده و منطقه را به عنوان قطب اقتصادی معرفی کند. انجمن صنایع دستی گلستان با برگزاری انتخابات و معرفی سیده هدلی حسینی، سیدامیرعلی حسینی، بای، عبدالحمید سمرست، ابیسه یوسفی و هانیبه سادات فیاض به عنوان اعضای اصلی و لیلا چوپنداری به عنوان بازرگ، رسماً تأسیس شد. اهداف این انجمن شامل حمایت از تولیدکنندگان، رونق صادرات، شناسایی موانع قانونی کسب و کار، همکاری با سازمان‌های مرتبط، آموزش، تبلیغات منسجم، برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی، حضور در هیئت‌های تجاری و توسعه بسته‌بندی محصولات است. این انجمن قرار است بانک اطلاعاتی جامعی از فعالان و صنایع دستی استان تهیه کرده و با بازاریابی هدفمند، جایگاه این هنر-صنعت را ارتقا دهد.



استان گلستان، سرزمینی با تنوع قومی و فرهنگی کم‌نظیر، گنجینه‌ای از هنرهای دستی را در خود جای داده که می‌تواند به موتور محرکه‌ای برای توسعه اقتصادی، گردشگری و حفظ هویت بومی تبدیل شود. به گزارش ایرنا، با ورود اتاق بازرگانی گرگان و تأسیس انجمن صنایع دستی، روزه‌های برای حمایت هدفمند از فعالان این حوزه گشوده شده اما آیا این ظرفیت عظیم که تاکنون به دلایل نامشخصی مغفول مانده، می‌تواند با برنامه‌ریزی و پشتیبانی به جایگاه واقعی خود دست یابد. استان گلستان به دلیل تنوع اقوام و فرهنگ‌هایش، یکی از غنی‌ترین مناطق ایران در حوزه صنایع دستی به شمار می‌رود و کارشناسان معتقدند این هنر-صنعت می‌تواند با ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، توسعه گردشگری، افزایش صادرات و درآمد ارزی، حفظ هویت بومی و کاهش مهاجرت روستاییان به شهرها، نقشی کلیدی در اقتصاد منطقه ایفا کند اما تاکنون از این ظرفیت به صورت کامل بهره‌برداری نشده است. تشکیل انجمن صنایع دستی زیر نظر اتاق بازرگانی گرگان، گامی بلند برای تغییر این روند و حمایت از فعالان این حوزه محسوب می‌شود.

تنوع بی‌نظیر صنایع دستی اقوام گلستان

بیش از ۸۰ رشته بومی و غیربومی صنایع دستی در گلستان فعال است؛ از فرش دستباف، نمد و زیورآلات گرفته تا سوزن‌دوزی ترکمن، جاجیم‌بافی زیارت گرگان، ابریشم‌بافی قزلباش‌های رامیان و مینودشت، سوزن‌دوزی شاهکوه و دوخت‌های سنتی پوشاک اقوام بلوچ. این آثار که بیشتر توسط زنان و مردان هنرمند این سرزمین خلق می‌شوند، نامی شناخته‌شده در بازارهای داخلی و خارجی دارند. صنایع دستی گلستان، با پشتوانه فرهنگی غنی و نیروی انسانی خلاق، می‌تواند به اهرمی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی این استان تبدیل شود. تأسیس انجمن صنایع دستی، فرصتی طلایی برای سازمان‌دهی این ظرفیت و اتصال آن به بازارهای جهانی است. با حمایت هدفمند و اجرای راهکارهای پیشنهادی، این گنجینه نهفته می‌تواند به ثروتی پایدار برای گلستان و مردمش بدل شود.

زنان پیش‌تاز در هنرهای دستی گلستان

بر اساس داده‌های آماری، بیش از ۳۵ هزار هنرمند صنایع دستی در گلستان فعالیت دارند که ۷۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند. از سوزن‌دوزی ترکمن در روستای تنگلی گنبدکاووس گرفته تا فرش ترکمن، نواربافی کوتولی در علی‌آبادکنول و جاجیم‌بافی در روستاهای شاهکوه و زیارت گرگان، این آثار نه تنها ثبت ملی شده‌اند، بلکه شهرتی کشوری دارند. این تولیدات، بازتاب فرهنگ غنی مردم گلستان و میراثی ارزشمند برای آیندگان هستند که نیازمند توجه و حمایت بیشتر است.

رویکرد صادراتی کلید نجات صنایع دستی

سیدامیرعلی حسینی‌بای، کارآفرین با سابقه از سال ۱۳۹۰ در حوزه صنایع دستی، معتقد است که نگاه صادراتی می‌تواند این صنعت را نجات دهد و به پایداری تولید و اقتصاد استان

و جذب بازارهای داخلی و خارجی با ارتقای کیفیت و اصالت محصولات که این اقدامات می‌تواند صنایع دستی گلستان را به جایگاه شایسته‌اش در اقتصاد و فرهنگ منطقه برساند.

نقش تعاونی‌ها و گردشگری در رونق صنایع دستی

ایجاد خوشه‌ها و تعاونی‌های صنایع دستی برای کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری، یکی دیگر از پیشنهادها کارشناسان است. همچنین ترویج گردشگری مبتنی بر صنایع دستی از طریق تأسیس بازارچه‌ها، کارگاه‌های زنده تولید و طراحی مسیرهای گردشگری که شامل بازدید از مراکز تولید می‌شود، می‌تواند به رونق این حوزه کمک کند. به گفته فعالان، این اقدامات نه تنها اقتصاد محلی را تقویت می‌کند، بلکه به توسعه اجتماعی و فرهنگی استان نیز یاری می‌رساند.

راهکارهای عملی برای احیای هنرهای دستی گلستان

کارشناسان و دست‌اندرکاران صنایع دستی گلستان بر این باورند که توسعه این بخش نیازمند راهکارهای هدفمند و پایدار است. از جمله راهکارها می‌توان به این موارد اشاره کرد: آموزش و انتقال تجربه برای برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی، ایجاد مراکز آموزش بومی و حمایت از هنرمندان پیشکسوت برای انتقال دانش به نسل جوان، بازاریابی نوین برای استفاده از فناوری‌های روز و پلتفرم‌های آنلاین برای فروش و معرفی محصولات و همچنین برگزاری نمایشگاه‌های محلی، ملی و بین‌المللی، حمایت مالی و زیرساختی برای ارائه وام‌های کم‌بهره، تأمین مواد اولیه با هزینه مناسب و ایجاد برندهای معتبر برای صنایع دستی منطقه، حفظ میراث در معرض خطر برای مستندسازی هنرهای دستی رو به فراموشی

نوروز رودها جشنی برای حیات طبیعت

در کالاه، این مراسم با حضور مردم و مسئولان به صحنه‌ای از همبستگی برای پاسداشت طبیعت تبدیل شد. محل‌هایی چون پل باستانی آق‌قلا پارک آزادگان مینودشت و محدوده کمربندی شاهرود در آزادشهر، هر یک میزبان این آیین شدند تا یادآور شوند که حفاظت از رودها، وظیفه‌ای همگانی است. گلستان، با پنج حوزه آبریز اصلی شامل گرگانرود، قره‌سو، اترک سفلی، شرق خلیج گرگان و نکارود علیا، تنها ۲ درصد از طول ۱۴۶ هزار کیلومتری رودخانه‌های ایران را در خود جای داده، اما همین سهم اندک، نقشی زیاده در زندگی ۲ میلیون نفر از ساکنان این استان دارد. سالیانه یک میلیارد و ۳۳۵ میلیون مترمکعب آب در این رودها جریان دارد اما بسیاری از آن‌ها، که بیشتر در دسته رودخانه‌های پیر قرار دارند، هر سه سال یک‌بار به لایروبی نیاز دارند تا حیاتشان پایدار بماند. در استانی که اقتصادش بر پایه کشاورزی استوار است، حفاظت از این منابع آبی نه فقط یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است. جشن نوروز رودها فرصتی است تا مسئولیت‌پذیری در قبال طبیعت را ترویج دهیم و با آموزش و فرهنگ‌سازی، نسل‌های آینده را به نگهداری این میراث گران‌بها تبدیل کنیم. گلستان، با تنوع اقوام و فرهنگ‌هایش، می‌تواند الگویی باشد برای اینکه چگونه یک جشن ملی به جشنی برای طبیعت و رودها تبدیل شود.



دستگاه‌های استانی و شکل‌های محیط‌زیستی، جشن نوروز رودها را در هشت منطقه دیلنی این استان برگزار کرد. از رودخانه زیارت در میدان ناهارخوران و رودخانه کبودال در پارک جنگلی اش گرفته تا گرگانرود در آق‌قلا و رودخانه آق‌سو

آن‌ها دوباره جان می‌گیرد. مردم این دیار، در کنار رودخانه‌ها گرد هم می‌آیند، جشن می‌گیرند و با این کار نشان می‌دهند که آب، نه فقط مایه حیات، بلکه بخشی از هویت و فرهنگشان است. امسال، شرکت آب منطقه‌ای گلستان با همکاری

گلستانی‌ها در آستانه نوروز بار دیگر به سنت دیرینه‌ای روی می‌آورند که ریشه در فرهنگ کهن ایران‌زمین دارد و آیین باستانی «جشن نوروز رودها» یکی از آن‌ها است که با پاشیدن گلاب و گل‌های خوشبو به رودخانه‌ها همراه شده و تجلی حیات‌بخشی آب و نمادی از احترام عمیق ایرانیان به طبیعت و تلاش برای حفظ آن به شمار می‌رود. به گزارش ایرنا، نوروز رودها جشنی که از روزگاران دور در ۱۹ اسفندماه برگزار می‌شده، زمانی بود که مردم دست به کار لایروبی و پاکسازی رودخانه‌ها، چشمه‌ها و کاریزها می‌شدند تا طبیعت را برای بهار و تجدید حیات آماده کنند. این سنت زیبا چند سالی است در گلستان و دیگر نقاط ایران به صورت نمادین احیا شده و با مشارکت مسئولان، دستاران محیط‌زیست و مردمی که قلبشان برای طبیعت می‌تپد، به فرصتی برای بازگویی در رابطه ما با منابع آبی تبدیل شده است. نوروز تنها جشن نو شدن سال نیست؛ جشنی است برای طبیعت و احیای آن، پاکسازی خانه‌ها و محیط اطراف، که از آداب دیرین این ایام است، در بسیاری از مناطق به پاکسازی رودخانه‌ها و منابع آبی گسترش یافته و به حفظ بهداشت و کیفیت این شریان‌های حیاتی کمک کرده است. در گلستان، با شروع بهار و بارش‌های فصلی، رودها پرآب می‌شوند و جریان زندگی در